

سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی شهری با رویکرد معنویت بخشی به فضا؛ نمونه موردی: مساجد شبستانی دوره قاجاریه بازار شهر تبریز

بهرام احمدخانی ملکی* - دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
فرزین حق پرست - استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

Qualitative Daylight Measurement in the Urban Religious spaces with the Emphasis on Enhancing Spirituality in Place; A case study: SHABESTANI Mosques of Qajar Era in Tabriz Bazar

Abstract

The effect of light in Islamic architecture is very important. Its importance and spread is undeniable. It is an important factor in making mosque space spirituality heightened. Light is one of the affecting parameters on the value of space as the most non-material sensible element of nature which is always present in Iranian Islamic architecture. It always creates a mystical atmosphere in the place, especially religious places. In the past Iranian architecture, the application of light always comes with special elegance which improves the quality of the atmosphere of the architecture. Today, the attitude of the quantification and semantic aspects being ignored in the design of spaces often has caused to design light to provide the light needed for the reduction of physical activity. The purpose of writing this article is the introduction of quality assessment methods based on the seven principles of the light from the verse of light of the holy QURAN. The present research methods for logical argument based on analytical descriptive and based on the field observations and library resources; The main findings of the research are as follows: a) introduction of qualitative principles of the light based on the verse of light, b) introduction of qualitative principles of the light in architectural body of religious spaces, c) introduction of objective and qualitative principles of light in religious spaces, d) introduction of the information extraction method for investigation and understanding of strength and weaknesses of the light in creation of spiritual spaces.

Keywords: Qualitative light, religious space, spiritual space, Tabriz mosque of QAJAR era.

چکیده

تأثیر نور در معماری اسلامی انکار ناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مولفه های مهم در فضا سازی معنوی و روحانی مساجد می باشد. نور از عوامل موثر بر ارزش فضایی است که به عنوان غیرمادی ترین عنصر محسوس طبیعت همواره در معماری ایرانی اسلامی وجود داشته و همواره حسی عرفانی به فضا به ویژه به فضاهای مذهبی میبخشد. در معماری گذشته ایران به کارگیری نور همراه با ظرافت های خاصی بود که ارتقای کیفی فضای معماری را سبب میشد. امروزه نگرش کمیتی و نادیده گرفته شدن جنبه های معنایی در طراحی اغلب فضاها موجب گشته تا طراحی نور به تأمین نور مورد نیاز برای فعالیت های فیزیکی تقلیل یابد. هدف از نگارش این مقاله، معرفی روش سنجش کیفی نور بر اساس اصول هفتگانه مستخرج از آیه نور میباشد. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بر مبنای استدلال منطقی بوده و بر اساس منابع کتابخانه ای و مشاهدات میدانی تهیه شده است. یافته های اصلی تحقیق عبارتند از: الف) معرفی اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور؛ ب) معرفی نمودهای عینی اصول کیفی نور در کالبد معماری فضاهای عبادی؛ ج) معرفی معیارهای ارزیابی نمودهای عینی اصول کیفی نور در فضاهای عبادی؛ د) معرفی نحوه استخراج اطلاعات جهت بررسی و شناخت نقاط ضعف و قوت نور در آفرینش فضای معنوی.

واژگان کلیدی: نور کیفی، فضای عبادی، فضای معنوی، مساجد قاجاریه تبریز.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۴۰۱۱۷۱۵، رایانامه: b.ahmadkhani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور (روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

ج) روش پژوهش

روش تحقیق، موردپژوهی با استفاده از راهکارهای ترکیبی است که برای انجام آن از تکنیک‌های تحلیلی توصیفی استفاده می‌شود. روش جمع‌آوری اطلاعات مراجعه به منابع مکتوب و کتابخانه‌ای، همزمان با مطالعه میدانی با مراجعه به نمونه‌های موردی است. فرآیند تحقیق حاضر به صورت نمودار (۱) می‌باشد.

۲. ادبیات موضوع

الف) جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی بنیاد هستی و بزرگترین حقیقت عالم را در نور میتوان یافت. حضور نور در آثار معماری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی (پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران) چه از جنبه عملکردی نور که عاملی برای روشنایی و حیات بخشی در فعالیت‌های روزانه بوده است و چه از جهت اهمیت آن در مباحث اعتقادی ادیان، همواره مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. قرن‌هاست که عارفان در ستایش نور در مقام جوهری معنوی سرودها خوانده و شعرها سروده‌اند. انگیزه روی کردن به سوی نور و فروغ در هنگام پرستش خداوند در آیین زردشتی به روشنی در این سخن آشورزدشت هویداست: «چون خداوند یا نور کل به دیده ظاهری ما دیده نمی‌شود، پس باید با دیده ظاهریین رو به سوی انوار صوری یا ظاهری نموده و از این راه وجدان معنی بین را به سوی نور معنوی یعنی اهورامزدا راهنمایی کرد» (اوشیدری، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

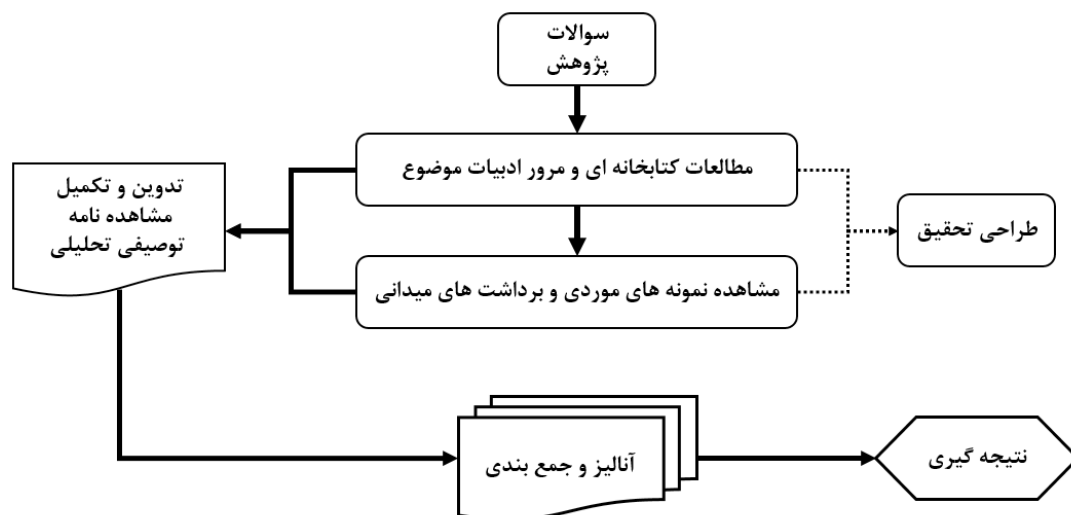
فرهنگ اسلام، مفهوم اصیلی از نور ارایه می‌دهد که با تاویل عالمانه و در سایه ژرف‌نگری قابلیت رمزگشایی دارد. واژه نور و متعلقات آن چهل‌ونه بار در قرآن ذکر شده است و در معانی مختلفی چون ایمان، یقین، پاکی، رحمت، هدایت‌گری، قداست، نور عقل که ظلمت جهل را ویران می‌کند و ... آمده است. در آیه ۳۵ سوره نور «الله نور السموات و الارض...» که کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب

همیشه هنگامی که از بعد قدسی و کیفیت معنوی فضا سخن به میان می‌آید، شاید هیچ پدیده‌ای به نزدیکی از حیث خصوصیات چون نور و روشنی، با آن مشابَهت نداشته باشد. «نور» از مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده فضایی به شمار می‌آید که علاوه بر پویایی و روشنایی در فضای معماری می‌توان به احساسات معنوی و باطنی آن در «فضای عبادتگاه» اشاره نمود. یکی از عوامل عمده در افکار انسان شرقی رسیدن به کمال تقرب الهی و توسل به خداوند متعال است که نور یکی از ارزشمندترین موهبت‌های خدادادی و یکی از عوامل موثر بر ارزش فضایی این مکان مقدس است که در خور تحقیق است. در این تحقیق سعی شده است که ضمن استخراج اصول کیفی نور از آیه نور (آیه ۳۵ سوره مبارکه نور)، معیارهای ارزیابی نور در چگونگی آفرینش فضای معنوی را تدوین نمود. با تدوین این روش، طراحان می‌توانند در روند طراحی معماری فضاهای عبادی، نسبت به تنظیم و بهینه‌سازی نقش نور (روز) اقدام نمایند و فراتر از آن می‌توان نقاط ضعف، نقش کیفی نور در فضاهای عبادی معاصر (و حتی تاریخی) را شناسایی و نسبت به مرتفع ساختن آنها اقدام نمود. امید آن که اصول و معیارهای معرفی شده، چشم‌اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.

۱. فرآیند پژوهش

الف) هدف پژوهش: هدف تحقیق حاضر عبارت است از: معرفی روش سنجش و ارزیابی کیفی نور (روز) در فرآیند آفرینش فضای معنوی.

ب) سوالات پژوهش: الف) نور (روز) با چه اصولی می‌تواند نسبت به تغییر مشخصات کیفی فضا و تبدیل آن به مکان مقدس عمل نماید؟ ب) چگونه می‌توان نسبت به ارزیابی و سنجش کیفی نقش نور (روز) در معنویت بخشی به فضای عبادی عمل



نمودار ۱. فرایند پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

می‌شود؛ مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵): نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی‌بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظهر لغيره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲، صص ۱۱۴-۱۱۳). از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالانوار می‌باشد (بمانیان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص ۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفاده مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

ب) اصول کیفی نور مستخرج از آیه نور

آیه نور، آیه ۳۵ سوره نور است. ابتدای آیه، با جمله

«الله نور السماوات والارض» آغاز شده است. سوره مبارکه نور را به دلیل وجود همین آیه، «سوره نور» نام نهاده‌اند. این آیه کریمه از نظر تفسیر، یکی از آیات مشکل قرآن مجید است. به ویژه قرآن کریم در پایان همین آیه جمله‌ای ذکر می‌کند که نشان می‌دهد این آیه بسیار قابل تدبر و تأمل است. و هرکسی به اندازه ظرفیت خود چیزی از این آیه کریمه می‌فهمد. چون بعد از ذکر مثل در پایان می‌فرماید: «و يضرب الله الامثال للناس» خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند. در بعضی آیات دیگر می‌فرماید: «خدا مثلها را برای مردم ذکر می‌کند ولی به عمق این مثلها نمی‌رسند مگر عالمان». این نشان می‌دهد که مثلهای قرآن عمق‌هایی دارد که هرکس نمی‌تواند ادعا کند که به عمق آنها رسیده است.

مسئله اساسی در این مقاله چگونگی واکاوی آیه مبارکه نور و وصول به مفهوم حقیقی تمثیل‌های موجود در آن، از رهگذر تأویل فلسفی عرفانی ملاصدراست. صدرالمتهلین شیرازی در تبیین دقیق آیات و مفاهیم قرآنی و راهیابی به تأویل صحیح آیات مباحث مهمی را به شیوه فلسفی و اشراقی و عرفانی و فراتر از اندیشه مفسران قرآن و متکلمان و

حتی فیلسوفان و عارفان مطرح می‌کند. ملاصدرا در روش تفسیری خود بر این باور است که باید با حفظ ظاهر به معنای نهفته در پس واژگان قرآنی پی‌برد. بنابراین، بر مفسر است که از معنای ظاهری آغاز کند و پس از دریافت معنای ظاهری، با ترک حواس جسمانی و استمداد از حواس باطنی، روح انسانی به ملکوت عروج کند و از راه مکاشفه به معنای حقیقی زلال و بدون حجاب آیات قرآن نایل آید (صدرای شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۶۹-۶۸).

با توجه به نظر صدرا درباره تأویل، پرواضح است که وی باطن را متمم و مکمل ظاهر می‌شمارد، چراکه اگر ظاهر نبود، عبور به باطن و راه یافتن به حقایق بلند نهفته در پس واژگان قرآنی امکان‌پذیر نبود (همان، صص ۱۳۹-۱۳۶). به اذعان ملاصدرا، وی بر اساس روش تفسیری خویش ضمن قبول ظواهر آیه اسرار و رموز پنهان آن را جست‌وجوی می‌کند و به یاری مبانی فلسفی و مکاشفه و اشراق الهی حقایق آیه را آشکار می‌کند.

در آیه نور، به اعتقاد نگارندگان، قرآن کریم درصدد بیان مسئله‌ای کلی است و آن این که هر فیضی که از جانب خداوند نازل می‌شود، دارای نظامی است؛ نظامی مشخص که سیر نزولی رحمت الهی را تعیین بخشیده و بدان معنا می‌دهد؛ یعنی قرآن کریم درصدد بیان آن است که در هر سیر نزولی ناگزیر از نظامی هستیم و هر فیضی در قالب نظام متناسب با خود نازل می‌شود و سیر صعودی نیز با توجه توجه به سیر نزولی است که معنا می‌یابد. با توجه به آن که خداوند در آیه نور در مقام بیان اصلی کلی است، پس تأویل این آیه نیز باید به صورت کلی باشد و قابلیت پذیرش و انطباق بر فیوضات مختلف از نظام‌های متفاوت را داشته باشد. بر این اساس، نگارندگان اصولی را از متن آیه نور استخراج نموده است که آنها را اصول کیفی هفتگانه نور (روز) معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه قرآن وابسته به مکان و زمان نیست لذا این اصول مستخرج نیز قابلیت تعمیم‌پذیری در هر زمان و مکانی را دارد.

نگارندگان آیه نور را به هفت قسمت، جزءبندی نموده و بر اساس مفاهیم مستتر در آنها و به شیوه تفسیر ملاصدرای، اصل صادر شده از آنها را بیان نموده است. این اصول کلی به قرار زیر می‌باشند:

- ۱. اصل اول:** «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی نور: خدا روشنگر هستی است. چرا که خداوند با پرتو لطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. در سراسر حکمت ایرانی، رابطه رمزآمیز تعریف مبداء هستی بخش به واسطه نور به معنی هست شدن و موجود بودن به واسطه بود و وجودی است که با نور تعریف و شناخته شده است. حضور نور در اثر معماری وجود را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت را نشان می‌دهد. از این رو موجود که-در اینجا معماری است- هستی‌اش وابسته به نور است، نور را که علاوه بر پدیداری کالبد مسبب پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند.
- ۲. اصل دوم:** «مَثَلُ نُورِهِ كَمَشْكُوَةٍ فِيهَا مُضْبَاحٌ الْمِضْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ اصل دومراتبی نور: در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مشکاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زجاجه) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها پنهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعدیل‌کننده و پخش‌کننده نور است. مصباح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبایی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوكب دری، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح

است و شفافیتی که بر اثر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که در آن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجه همچون کوب در می‌درخشد» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۲۳).

۳. **اصل سوم:** «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ»؛ اصل عدالت (بی‌جهتی و همه‌جهتی): از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «الشرقیه ولا غربیه» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمره آن نیکو گردد. این امر موجب می‌گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالا مال از نور است. معماری ما، در بالاترین و کلی‌ترین مرتبه طرح، حاوی بی‌جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبدخانه، نشستن طاقماها یا قوس‌های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی‌جهتی کلی فضاها را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می‌کند.

۴. **اصل چهارم:** «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيَاءٌ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده: این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ (مصباح) از روغنی فروغ می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده (روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. ماده زدایی در معماری عملی

کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشپاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می‌نامیم، و این هشپاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازاله سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می‌شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص ۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدیل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

۵. **اصل پنجم:** «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم: روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. افاضه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آنها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نفس رحمانی‌اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند. این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام).

۶. **اصل ششم:** «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت: سیر یا حرکت طبیعت نور طبیعی، علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشیده ابزارهای بیانی معماری به منظور تاکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصیات است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متأثر است.

حرکت عاملی وابسته به زمان است و در معماری قدیم ایران با نور تعریف می‌شود. به سخن دیگر حرکت عامل تعیین‌کننده زمان قراردادی (طلوع و غروب خورشید و ...) می‌شود و تغییر ناشی از حرکت در سیر زمان، تلقی از «بودن، ماندگاری و زندگی و منبع باشیدن» است.

۷. اصل هفتم: «و يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اصل آیتی: در معماری هر اثر برپا شده بیانگر است و در جوامع وابسته به سنت هر عمل معمار در برپایی مکان رخداد زندگی متعلق به آن، نشانه و ردپایی را از مبانی شکل دهنده به آن زندگی آشکار می‌کند. بیانگر از این رو که مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسان است و نشانه از آن رو که نشان از ملاحظات حقیقت زندگی متصور برای آن دارد. این تبیین و نشانه داشتن به وجه چند سویه نور، مفهوم نشان داشتن از محتوایی را که اساس زندگی بر پایه آن شکل گرفته است روشن می‌سازد. به سخن دیگر نور از حیث مقام بیانگری معماری، نشان از اصل نور، نورالانوار دارد؛ ردپایی از حضور دارد که چه در عالم ماده و چه در عالم نفس تعریف شده است. نور در غالب نقشی که در معماری ایران قدیم دارا بوده است حضوری «غیرمستقیم» و «آیتی» دارد.

ج) نمودهای عینی اصول کیفی نور در فضاهای عبادی

مکان یک مفهوم عینی و ذهنی است که مفاهیم آن می‌تواند در کالبد بنای معماری جلوه‌گر شود. نور بیشترین تاثیر بصری در ایجاد گسیختگی فضای مقدس از فضای بیرون را دارا می‌باشد و به عنوان یک متغیر مستقل بر هر دو جنبه مفاهیم یک مکان مقدس تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر توجه به نور و فلسفه آن در مساجد می‌تواند کالبد عینی مساجد را به مفاهیم عمیق ذهنی و معنوی نزدیک کند و معماری مسجد را به سمت معماری یک مکان مقدس که نمایانگر وجود الهی است، سوق دهد. در هر بنایی که مفاهیم نقش قابل توجهی

دارند، معماری می‌تواند نمود بخش این معانی باشد. چنانچه این تجلی به نحو احسن انجام یابد؛ ابعاد بیشتری از وجود انسان درگیر شده و معماری به هدف خود نایل خواهد آمد. در بنایی چون مسجد که جنبه‌های معنایی نقش به مراتب موثرتری دارند؛ توجه به آنها، بناها را در ذهن مخاطب دلنشین تر جلوه داده و او ناخودآگاه در انتخاب فضای عبادت از بین چند گزینه، به نمونه‌ای روی خواهد آورد که بتواند این توجه را در آن جلوه‌گر بیند. نور به عنوان صورتی از معنا و نمادی از وجود خداوند، جایگاه مهمی در تبلور این مفاهیم داراست و چگونگی ظهور آن به درک بهتر حضور یاری خواهد رساند. به منظور بررسی کیفیت نور روز در مساجد منتخب، اصول کیفی هفتگانه نور، منتج از آیه نور مورد تطبیق و مقایسه قرار خواهد گرفت. این اصول مهمترین مفاهیم مورد انتظار از نور می‌باشد که وظیفه معماری کمک به تجلی آنهاست. این اصول به عنوان متغیرهای کیفی تحقیق حاضر بوده که در صورت نمودبخشی معمارانه و عینی نمودن مفاهیم مذکور، قابل سنجش در حیطه متغیرهای کمی هم‌ارز خواهد بود. نگارندگان در این بخش نسبت به معادل سازی مفاهیم کیفی نور در معماری اقدام نموده و در آخر آنها را مورد سنجش و ارزیابی از طریق برداشت های میدانی قرار خواهد داد. استنتاج معادل معمارانه برای اصول کیفی هفتگانه نور به شرح ذیل می‌باشد:

اصل اول: اصل هستی‌بخشی؛ این اصل مبتنی بر اصل یگانگی و توحید خداوند بوده و منشاء پیدایش همه امور از سوی او می‌باشد. این اصل در معماری نقش جان بخشی به کالبد را برعهده دارد لذا شایسته است به صورت طبیعی و با رنگ خالص خود وارد فضای عبادی گردد. از طرفی دیگر با توجه به اینکه این نور زمینی نیست لذا لازم است بازشوها در ارتفاعی بالاتر از چشم انداز انسانی باشد. عرفا در مورد مقام ذات بر این باورند که مرحله کنه و حقیقت ذات خداوند از دسترس اندیشه بشر خارج

است؛ به همین جهت در عرفان از مرتبه ذات تعبیر به غیب الغیوب می‌شود؛ یعنی غایب و مخفی‌ای که از آن غایب‌تر نیست (یزدان پناه، ۱۳۸۸، ص ۲۹۷) و این امر می‌طلبد که منبع نور از دید کاربر مخفی یا بالاتر از تراز ارتفاعی چشم باشد و حضور آن در فضای عبادی به صورت غیرمستقیم باشد. اندیشمندان از اهل عرفان بر این باورند خداوند به لحاظ تجلیات نیز دارای مقامات متعدد است لذا می‌توان با نظام بندی مشخص نورگیرها چه در دیوارها و چه در سقف، یک کل واحد بوجود آورد. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل هستی بخشی نور، (نحوه) حضور نور، رنگ نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل دوم: اصل ذومراتبی نور؛ فلاسفه مسلمان غالباً برای تحلیل و توجیه کثرات عالم، از راه شدت و ضعف و تشکیک وارد شده‌اند. در حکمت اشراقی، ماهیت جوهری نور را حقیقتی تشکیکی شمرده‌اند که از شدیدترین نور یعنی نورالانوار آغاز می‌شود و تا ضعیف‌ترین نور امتداد دارد. حکمت متعالیه نیز حقیقت وجود را واقعیتی ذومراتب و تشکیکی می‌داند که از وجود بی‌نهایت شدید شروع می‌شود و تا ضعیف‌ترین وجود یعنی وجود هیولا و ماده نخستین امتداد می‌یابد (همان، ص ۳۰۸). بر این اساس تنظیم میزان نور در فضای عبادی یک ضرورت است به طوری که سلسله مراتب شدت نوری در فضا توسط کاربر قابل درک و دریافت باشد. این امر نمودی از هدایت به مراتب بالاتر را متجلی می‌سازد. محراب به عنوان مهم‌ترین قسمت فضای عبادی، شایسته برخورداری از بالاترین میزان نور در لایه افقی و عمودی خود است. درخشندگی جبهه قبله در فضای عبادی ضمن تاکید عرفانی بر محراب و سوی کعبه، دعوت‌کنندگی در فضا را توسط نور افزایش می‌دهد. لازمه این امر قرار دادن نورگیرهای مناسب در ارتفاع بالاتر از دید انسانی و در جبهه قبله (محراب) می‌باشد. بدیهی است که

انتظام بازشوها در فضای عبادی می‌تواند در تحقق این امر موثر بیافتد. بنابراین نظام توزیع نور، (نحوه) حضور بازشو، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را در این حوزه خواهد داشت.

اصل سوم: اصل عدالت؛ از دیدگاه قرآن کریم عدل در سراسر نظام آفرینش جاری است و نسبت به همه موجودات و همه هستی از آن جهت که فعل خداوند متعال هستند جریان دارد. به تعبیر قرآن کریم هم نظام طبیعت و هم نظام ملکوت، عادلانه می‌باشد. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (سوره مبارکه حدید، آیه ۲۵). بنابراین سبب پویایی عدل در سراسر هستی چه در نظام تکوینی و چه در نظام تشریع، خداوند متعال خواهد بود. از نظر نگارندگان مفهوم عدالت این است که در فضای عبادی، توزیع نور در طول سال متعادل بوده و هر قسمت از فضای عبادی متناسب با نوع عملکردی که می‌پذیرد؛ نور مورد نیاز خود را داشته باشد. طبیعتاً نظام قرارگیری بازشوهای دیواری و سقفی در نحوه توزیع نور در فضا و پذیرش عملکرد متناسب با نور دریافتی موثر خواهند بود. فضای عبادی با محوریت محراب، نقش اساسی در سنجش میزان توزیع نور در فضای عبادی را دارد. حضور تقارن در فضا و همچنین آرایش نورگیرهای سقفی در درک تعادل بصری محیط توسط کاربر از ملزومات تحقق این مهم در فضای عبادی می‌باشد. لذا برای نمود این اصل در کالبد فضای عبادی، نظام توزیع نور، نظام توزیع بازشوها نقش موثری را ایفای می‌نمایند.

اصل چهارم: اصل نفی ماده؛ از دیدگاه نگارندگان این اصل در فضای عبادی زمانی اتفاق می‌افتد که ارتباط عمیق‌تری بین عبد و معبود برقرار شود و حصارهای فیزیکی فضای عبادی از دیده‌گان کاربر برچیده شده و همه فضا برای او نور گردد. به عبارت دیگر عروج روحانی در فضا صورت پذیرد. مهم‌ترین اصل در عینیت بخشی به مفهوم عروج، تعالی نگاه است، چراکه اوج در ادراک انسان در

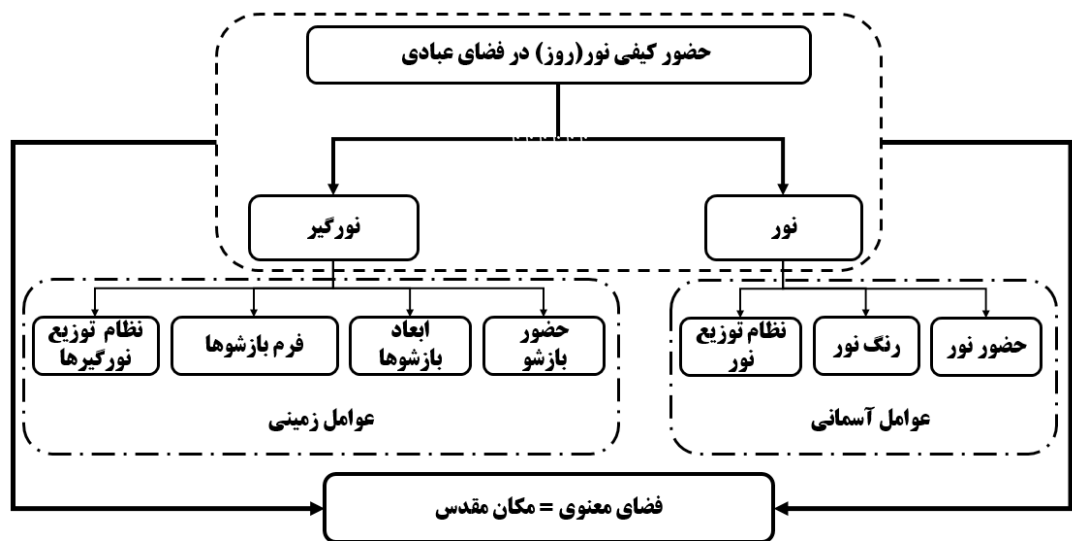
ارتفاعی بالاتر از مقیاس انسانی معنا می‌یابد و لذا دارا بودن ارتفاعی شاید آسمانی برای بازشو در تجلی مفهوم عروج در ذهن مخاطب امری لازم تلقی شود. ارتفاعی آسمانی برای بازشو، باعث قطع ارتباط بصری با جهان مادی می‌شود. چشم هنگام عبور از کف به سوی سقف، درجات مختلف تاریکی و روشنی را تجربه می‌کند.

در کنار این امر، ابعاد بازشوها نیز مهم جلوه می‌نماید. از آنجا که دستگاه ادراکی انسان «تعرف الاشیاء باضدادهم» می‌باشد، وجود سایه در کنار نور ضروری به نظر می‌رسد تا توجه انسان را به صورت ناخودآگاه به نور جلب نماید (سایه نمادی است از زندگی؛ سایه درخت یکی از نعمت‌های وعده داده شده در بهشت است) در نتیجه لازم است ابعاد بازشوها کوچک باشد؛ چونکه علاوه بر قطع ارتباط بصری با محیط بیرون باعث تضاد نوری بیشتری در فضا می‌گردد و کاربر حضور نور را بیشتر احساس نموده و ارتباط بهتری را با معبود خود برقرار می‌کند. چراکه ابعاد بزرگتر، تضادهای کمتری ایجاد نموده و نتیجه حاصل از وجود آنها عمدتاً روشنائی خواهد بود و نه انعکاس پرتوی از نور...؛ همچنین بازشوها با پذیرش فرم‌هایی که تداعی اوج و اتصال به آسمان را دارند، جلوه‌ای از حرکت از این دنیای مادی و اتصال به عالم بالا را نشان خواهند داد. لذا برای تحقق این اصل در فضای عبادی، (نحوه)حضور بازشو، ابعاد بازشوها، فرم بازشوها نقش موثری را ایفای خواهند نمود.

اصل پنجم: اصل استمرار و تداوم؛ دوام فیض که یکی از صفات خداوند است از لوازم قدرت نامحدود اوست؛ به این بیان که قدرت خداوند مبداء و منشاء ایجاد و علت ماسوای خداست. با توجه به مبانی حکمت متعالیه همه وجودات، عین ربط و وابستگی به خدا هستند و هیچ موجودی به نحو مستقل نمی‌تواند فیض وجود باشد بلکه هیچ موجودی غیر از خداوند و فیض او وجود ندارد. نتیجه آنکه فیض خداوند همیشگی، دائمی و نامحدود است. از آنجا که

آسمان معمولاً در سمت الرأس نسبت به افق روشن‌تر است، نورگیرهای سقفی نسبت به پنجره‌های عمودی نور بیشتر و دائمی‌تری را به داخل راه می‌دهند. از دیدگاه نگارندگان نیز، هرچه قدر بازشوهای فضا به منبع نور عینی (آسمان) نزدیک باشد از فیض دائم الهی بهره‌مند خواهد شد. نظام آرایش بازشوهای سقفی نیز در نمود این امر موثر می‌باشد. تکرار این بازشوها در نظامی هدفمند، حضور نور را در فضا از دید کاربر همیشگی و دائمی می‌نمایاند. بنابراین می‌توان در نمود بخشی معمارانه به اصل استمرار و تداوم، (نحوه)حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها را معادل کمی مفهوم کیفی فوق دانست.

اصل ششم: اصل حرکت و جهت؛ هدایت، فقط از آن خداست. فقط او است که امکان هدایت برای آدم‌ها را فراهم می‌کند. نشان دادن راه دستیابی به مقصد که به آن «رائه الطريق» می‌گویند و رساندن راهیان به هدف که آن را «ایصال به مطلوب» می‌نامند. در اصطلاح نیز هدایت، برخورداری موجود از کمالی است که با نظم خاص و صحیحی به آن برسد؛ به دیگر سخن، برقراری ارتباط خاص میان موجود و آینده کمالی آن را «هدایت» می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۳۱). در خصوص اهمیت حرکت و جهت در فضای عبادی باید گفت که؛ جهت‌یابی در مکان برای انسان حس امنیت را که در مقابل گم‌شدگی است، القاء می‌نماید. تقویت حس جهت‌یابی که یکی از عناصر باشیدن و سکنی‌گزینی و رسیدن به روح مکان از دیدگاه شولتز (۱۳۸۸) می‌باشد، با بکارگیری عنصر مقدس نور در فضای معنوی مساجد بوجود می‌آید. نور با تعیین جهت در فضا، هویت مکانی به آن اعطا نموده و حس تعلق مکانی (سکنی‌گزینی و احساس امنیت) را بیش از پیش در ذهن و روان مخاطب نمایان‌تر می‌کند. جهت و هدف در فضای عبادی؛ راستای قبله و محراب می‌باشد. این مهم توسط نظام توزیع نور، (نحوه)حضور بازشو، نظام توزیع نورگیرها در کالبد معماری فضای عبادی نمود پیدا می‌کند.



نمودار ۲. عوامل آسمانی (نور) و عوامل زمینی (نورگیر) در پیدایش فضای معنوی؛ ماخذ: نگارندگان.

نظام توزیع نور، ابعاد بازشوها، (نحوه) حضور بازشو، فرم بازشوها، نظام توزیع بازشوها می‌باشد. از این عوامل سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشند و این امر با اصل هفتم که یک اصل کامل و متشکل از سه عامل آسمانی و چهار عامل زمینی می‌باشد مطابقت دارد (نمودار ۲).

۳. روش سنجش کیفی نور در فضاهای عبادی

به منظور ارزیابی اصول هفتگانه کیفی نور در مساجد تاریخی تبریز، چک لیستی با معیارهای مشخص تنظیم و به صورت جدول زیر (جدول ۱) تهیه می‌گردد. نتایج چک لیست، بعد از استخراج وارد جدول زیر شده (جدول ۲) و در نهایت ارزیابی نهایی از میزان بهره‌گیری فضای عبادی از مفاهیم کیفی نور (روز) در پنج مرتبه (خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف) معلوم می‌گردد. از دیگر ویژگی‌های این جدول مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت نمودهای عینی مفاهیم کیفی نور در فضای عبادی می‌باشد. لازم به ذکر است که کلیه اصول و مفاهیم بکار رفته در این تحقیق (فرضیه نگارندگان)، قبلاً طی تکمیل پرسشنامه توسط کاربران، بازدیدکنندگان، اهل خبره و غیره و بررسی مورد تایید قرار گرفته است.

اصل هفتم: اصل آیتی؛ نور در کالبد مادی و در هیات بخشی به معانی، که در قالب هنر معماری تجلی می‌یابد؛ صرفاً به عنوان عنصر فیزیکی و مادی مطرح نبوده و سمبل عقل الهی و وجود نام برده شده است. اساساً معانی و مفاهیم عالی قدسی از طریق نماد در قالب صور حسی در می‌آیند و نماینده معانی متعالی می‌گردند (وفایی و نزهت، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲). از همین روست که می‌توان نور مادی را به عنوان نمادی از معانی متعالی نور حق قلمداد نمود. لذا می‌توان گفت نور به عنوان بعد مشترک میان انسان و خدا، جایگاه مورد توجهی بین متفکران دینی و عارفان دارد و از آنجا که نور محسوس نیز متعالی‌ترین جسم مادی تلقی می‌شود؛ واسطه مناسبی بین عینیت و ذهنیت قلمداد می‌گردد. از نظر نگارندگان این اصل تمام کننده و تجمیع شش اصل قبلی می‌باشد. این اصل خود نمادی از عدد هفت می‌باشد. هفت عدد عالم و نشانه کمال است که از مجموع «سه» نماد آسمان و «چهار» نماد زمین به وجود می‌آید و نخستین عددی است که هم مادی و هم معنوی می‌باشد (نصیری دهقان، ۱۳۹۱، ص ۳۵).

بر این اساس عوامل: (نحوه) حضور نور، رنگ نور،

چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی			
نام مسجد:			
عنوان اصل	نمودهای عینی	معیارهای ارزیابی	نتیجه ارزیابی
اصل هستی بخشی	(نحوه) حضور نور	نوع نور طبیعی بوده و به صورت غیر مستقیم وارد فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	رنگ نور	رنگ نور طبیعی (خالص) بوده و از شیشه های شفاف (بی رنگ) وارد فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	محل قرارگیری نور گیرهای سقفی و دیواری (جبهه قبله) بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر می باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	بازشوها چه در جبهه قبله و چه در سقف به نحوی انتظام یافته اند که در تلفیق با هم، یک کل را بیان می نمایند (اشاره به اصل وحدت دارند).	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل دوبراتی	نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی متناسب با حرکت کاربر به سمت محراب افزایش پیدا می کند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	(نحوه) حضور بازشو	نورگیرهای جبهه قبله، ضمن درخشنده نمودن این جبهه و تاکید بر محراب، موجب تسهیل در روند سلسله مراتب نوری در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش بازشوها (سقفی یا دیواری) با نظامی هدفمند، موجب حضور نور با مراتب نوری مختلف در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
اصل عدالت	نظام توزیع نور	میزان توزیع نور (روز) در فضای عبادی در طول سال، متعادل و یکنواخت می باشد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
	نظام توزیع بازشوها	آرایش نورگیرهای سقفی و دیواری در نظامی هدفمند، موجب تسهیل حضور متعادل نور در فضای عبادی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
چهارمین اصل	(نحوه) حضور بازشو	ارتفاع بازشوها، فضای عبادی، بالاتر از تراز ارتفاعی چشم کاربر بوده و ارتباط مستقیم با آسمان به عنوان مظهر نور عینی برقرار	تحقق یافته یا تحقق نیافته

جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

جهت انجام تحقیق، نمونه های ارزشمند شبستانی

(دوره قاجاریه) از لحاظ نورگیری و در سه گونه

کوچک، متوسط و بزرگ از لحاظ وسعت جهت انجام

تحقیق حاضر انتخاب گردیدند.

۵. آنالیز و جمع بندی

به منظور تلخیص در حجم مقاله، مجموعه اطلاعات

بدست آمده از برداشت های میدانی، در جدول

زیر (جدول ۳) گردآوری گردید.

میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه

نور (روز) در کل نمونه های موردی به صورت نمودار

زیر (نمودار ۲) می باشد:

میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول

۴. معرفی نمونه های موردی

بازار تبریز یک الگوی زنده و پویا از یک دوره

تاریخی و اسلامی است و مساجد نیز بخش اصلی

این الگوی معماری هستند. مساجد موجود در

بازار تاریخی تبریز هم از نظر تعداد و هم از نظر

قدمت جزو مساجد منحصربه فرد جهان اسلام

هستند. مساجد متعلق به دوره های مختلف تاریخی

در کنار یکدیگر و زیر سقف یک مجموعه به نام

بازار تبریز به این مکان ثبت جهانی شده اهمیت

بیشتری داده اند. به دلیل فراوانی مساجد شبستانی

در مجموعه بازار تبریز نسبت به گونه گنبدخانه ای،

ابعاد بازشوها	می گردد.	ابعاد بازشوهای سقفی و دیواری به گونه‌ای است که ضمن بوجود آوردن تضاد نوری، موجب پیدایش پرتوهای نوری (و همچنین لکه های متحرک نورانی) در فضا می گردد. پرتوهای نوری در احساس کشش به سمت بالا و اتصال با معبود در کاربر موثر می باشند.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
فرم بازشوها	فرم بازشوها به گونه ای است که به سمت آسمان اشاره داشته و نوعی خروج از سطح زمین به سطح بالا را تداعی می نماید.	قرار گیری نورگیرها در بالاترین ارتفاع فضا ضمن نزدیکی به منبع فیض الهی (آسمان)، موجب استمرار و تداوم نوردهی به فضای عبادی می گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوها به صورت نظامی تسلسل گونه در فضای عبادی، موجب نورگیری دائمی از منبع فیض الهی (آسمان) می گردد.	قرار گیری نورگیرها در بالاترین ارتفاع فضا ضمن نزدیکی به منبع فیض الهی (آسمان)، موجب استمرار و تداوم نوردهی به فضای عبادی می گردد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
نظام توزیع نور	میزان نور در فضای عبادی به گونه‌ای است که راستا (قبله) و هدف مشخصی (محراب) را مورد تاکید قرار می دهد.	نورگیرهای جبهه جنوبی فضای عبادی ضمن درخشندگی نمودن این جبهه نسبت به سایر جبهه های، به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
نظام توزیع بازشوها	قرارگیری بازشوهای سقفی یا دیواری در نظامی هدفمند، به گونه‌ای است که به راستای قبله و محراب تاکید دارد.	نور طبیعی نمادی از نور معنوی و نور حق تلقی می شود.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
رنگ نور	حضور نور با رنگ خالص خود در فضای عبادی نمادی از اصالت وجود الهی است.	حضور نور با شدت نوری مختلف در فضای عبادی، مترادف با مراتب مختلف و تجلیات متعدد وجود الهی است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
نظام توزیع نور	قرارگیری نورگیرها در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین و تراز چشم کاربر تعالی نگاه را به همراه داشته و نمادی از خروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می گردد.	ابعاد کوچک نورگیرها در فضای عبادی نمایانگر حجاب نور است. حجاب نور الهی باعث درخشش حضور نور در فضای عبادی شده و تاکید بر نورالانوار است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته
فرم بازشوها	فرم منحنی و قوس مانند بازشوها (علی الخصوص در دیوارها) نمادی از خروج و اتصال به منبع نور عینی در ذهن مخاطب تلقی می گردد.	نظام هدفمند نورگیرها در فضای عبادی حکایت از وجود نظم در عالم وجود و ناظم الهی است که هدف نهایی کمال انسان است.	تحقق یافته یا تحقق نیافته
			تحقق یافته یا تحقق نیافته

ادامه جدول ۱. چک لیست ارزیابی معیارهای اصول هفتگانه کیفی نور در فضاهای عبادی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

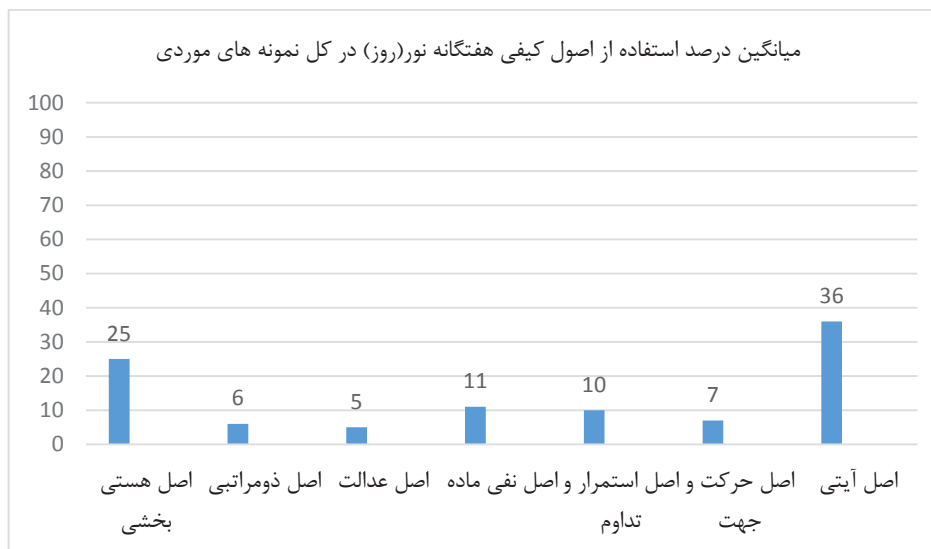
کیفی نور در کل نمونه‌های موردی به صورت نمودار زیر (نمودار ۳) می باشد: آنچه را که می توان از نمودارهای یاد شده دریافت نمود به قرار زیر می باشد: اصل آیتی و اصل هستی بخشی، نسبت به سایر اصول کیفی هفتگانه نور (روز) در مساجد منتخب، نقش پررنگی را در فرایند معنویت بخشی به فضای عبادی دارند. نقش کم رنگ سایر اصول را باید در نبود نموده های عینی آنها در کالبد فضاهای عبادی جستجو کرد. به طوری که نبود نظام هدفمند در

وسعت گونه	نام مسجد	ارزیابی میزان حضور اصول کیفی هفتگانه نور(روز) در فضای عبادی						
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	فقدان لایچیز	میزان عملکرد نور (روز) در فرایند معنویت بخشی به فضای عبادی؛ ۲۰٪-۰٪: خیلی ضعیف؛ ۴۰٪-۲۰٪: ضعیف؛ ۶۰٪-۴۰٪: متوسط؛ ۸۰٪-۶۰٪: خوب؛ ۱۰۰٪-۸۰٪: خیلی خوب	
کوچک	سید علی آقا						اصل هستی بخشی	
	خسروشاهی						اصل نور	
	خلخال						اصل حرکت و جهت	
متوسط (۵۰۰-۱۰۰۰)	دینوری						اصل استمرار و تداوم	
	قرللی						اصل نفع ماده	
	شهید قاضی						اصل عدالت	
بزرگ (۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰ مترمربع)	امام جمعه						اصل ذومراتبی	
	۶۳ ستون						اصل نفع ماده	
	شهیدی						اصل عدالت	

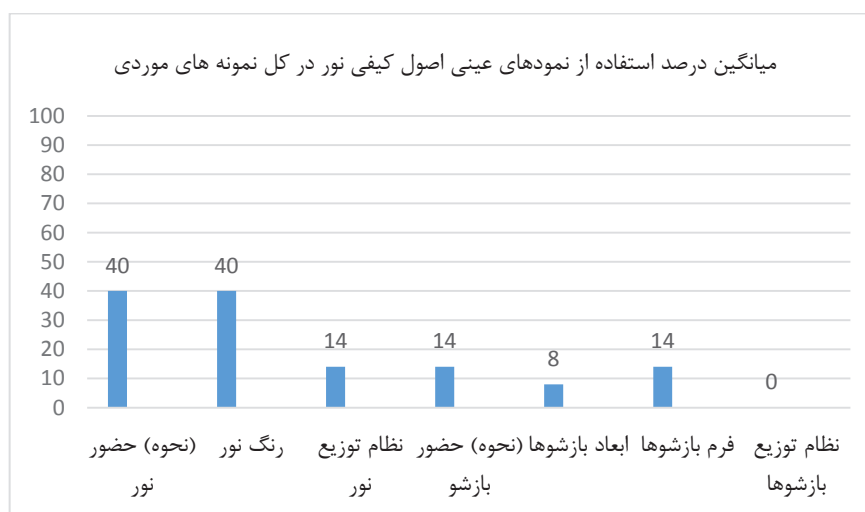
جدول ۳. ارزیابی کیفی نور در فرایند آفرینش فضای معنوی در مساجد منتخب بازار تبریز؛ مآخذ: یافته‌های تحقیق.

نمی‌توان به علم دست یافت. برای شناخت علمی بجای گمانه‌زنی، باید هر چیز را اندازه گیری و سنجش کرد. آنچه را که نمی‌توان اندازه گرفت را نیز باید کوشش کرد که قابل اندازه‌گیری کرد.» یافته اصلی این تحقیق نیز این است که: «معنویت حاصل از نور(روز) در فضای عبادی قابل سنجش است.» ارزیابی‌های به عمل آمده از مساجد منتخب نشان داد که هر چه قدر تجلی اصول کیفی هفتگانه نور در فضای عبادی به نحو احسن انجام یابد، ابعاد بیشتری از وجود انسانی درگیر شده و معماری به هدف خود (که همان آفرینش مکان مقدس است)

نایل خواهد آمد. متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبشخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکاء به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدهایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفی شده و روش ارزیابی و سنجش



نمودار ۲. میانگین درصد استفاده از اصول کیفی هفتگانه نور در کل نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



نمودار ۳. میانگین درصد استفاده از نمودهای عینی اصول کیفی نور در کل نمونه های موردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

- کیفی نور(روز) در فضای عبادی، چشم اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.
- منابع و ماخذ**
۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.
 ۲. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت، تهران، نشر مرکز.
 ۳. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی (۱۳۹۰) بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)، مجله معماری و شهرسازی اسلامی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجأ.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲) هدایت در قرآن، سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵) مجموعه مصنفات، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر،

- نجفقلی حبیبی. چاپ دوم. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۳) حکمه الاشراق، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۷. الشیرازی (صدر المتألهین)، صدرالدین (۱۳۸۶) تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۰) تفسیر المیزان، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۹. کشمیری، هادی و نوشادی، زهره و عباسی، منیژه (۱۳۹۲) بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران (با نگاهی به مساجد و خانه ها)، همایش معماری پایدار و توسعه شهری.
۱۰. لاهوری، اقبال (۱۳۸۰) سیر فلسفه در ایران، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، نگاه.
۱۱. نصر، سید حسین (۱۳۸۹) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.
۱۲. نصیری دهقان، مهدی (۱۳۹۱) راز عدد هفت، تهران، انتشارات ابتکار دانش.
۱۳. نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۸) روح مکان، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، انتشارات رخداد نو.
۱۴. وفایی، عباسعلی و نزهت، بهمن (۱۳۸۸) در پرتو انوار معنوی (تحلیلی از ساختار تجربه عرفانی عرفا در باب نماد نور)، مجله ادبیات عرفانی، شماره اول، تهران، دانشگاه الزهرا.
۱۵. یزدان پناه، یدالله (۱۳۸۸) مبانی و اصول عرفان نظری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۴ پاییز ۹۵
No.44 Autumn 2016

۱۰۶